

رهبر ایران از رئیس‌جمهور بعدی آمریکا چه انتظاری دارد

به قلم مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

۲۳ اکتبر ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/what-does-irans-supreme-leader-expect-next-us-president

العربية (/ar/policy-analysis/ma-aldhy-ytwqh-almrshd-alaly-alayrany-mn-alryys-alamryky-almqbl/)

درباره نویسنده



مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

مهدی خلجی عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگر تشیع فلسفه و کارشناس سیاست ایران



تحلیل کوتاه

هدف اصلی آیت‌الله خامنه‌ای تماماً بر حفظ نظام سیاسی متمرکز است که با آنهمه دردسر آن را ساخته است ولی صرف‌نظر از آن که چه کسی در انتخابات آمریکا پیروز شود روند امور حاکی از آینده‌ای متزلزل برای ایران است

در سال ۲۰۲۱ علی خامنه‌ای رهبر ایران هشتادودو ساله خواهد شد و به همین دلیل رئیس‌جمهور بعدی آمریکا شاید آخرین رئیس‌جمهور این کشور در عمر او باشد. این احتمال می‌تواند توضیح دهد که چرا او انتخابات قریب‌الوقوع ایالات متحده را تا این حد شخصی می‌بیند. دولت بعدی ممکن است آخرین شانس او برای حل مناقشات بنیادی دوجانبه باشد در جهت آنچه که او منفعت کشورش می‌داند. اما بر خلاف گذشته او از اظهار نظر درباره رقابت جاری خودداری کرده است. از جمله درباره وعده‌هایی که هرکدام از نامزدها درباره ایران یا به طور کلی خاورمیانه داده‌اند.

دغدغه‌های اصلی خامنه‌ای

دغدغه‌های اصلی رهبر ایران عبارتند از:

- بقای جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام سیاسی در ایران و تاب‌آوری آن در مبارزه با نیروهای ضد رژیم داخل و خارج
 - مقاومت رژیم در برابر هرگونه اصلاحات تحول‌آفرین ایدئولوژیک یا سیاسی از درون و هرگونه انحرافی از مسیر «انقلابی» که مشخصه آن عبارتست از (۱) آمریکاستیزی (۲) اسرائیل‌ستیزی و (۳) نابرابری جنسیتی که نماد اصلی آن حجاب اجباری است.
- دو اصل ایدئولوژیک آخر را می‌توان تجلی اولی دانست: این‌که آمریکا «شیطان بزرگ» است اما نه به دلیل آنچه انجام می‌دهد بلکه به خاطر آنچه که هست: یعنی محصول و پرچمدار اصلی تمدن فرهنگ و سیاست مدرن. در مورد اسرائیل گرایش ضداسلامیست آشکار آن و همسویی آن با ارزش‌های آمریکایی مدرن آن را به «غده‌ای سرطانی» در دیدگاه تهران بدل کرده است – مصیبت‌بارترین پیامد تمدن غرب برای دنیای اسلام. برابری جنسیتی مشخصه فرهنگ لیبرال سکولار غربی و یکی از ارکان شهروندی و حقوق بشر است و در نتیجه جوهره به اصطلاح تلاش‌هایی است که به رهبری آمریکا علیه دنیای اسلام و جامعه ایران انجام می‌شود.

اما طرفه آن‌که مسیر انقلابی خامنه‌ای درحقیقت به آمریکا ختم می‌شود: به این معنا که او باور دارد با جست‌وجوی رابطه‌ای باثبات ایمن و به‌دقت سنجیده با ایالات متحده می‌تواند هم بقای رژیم را تضمین کند و هم محتوا و گرایش انقلابی آن را محفوظ دارد.

در نتیجه هدف تهران تناقضی فضاقت‌بار است: معامله با آمریکا برای آمریکا‌ستیز ماندن، خامنه‌ای برای رفع این معضل راهبرد «نه جنگ نه صلح» را شکل داده است. از دید او مواجهه مستقیم با آمریکا منجر به تغییر رژیم می‌شود. عادی‌سازی روابط هم منجر به دگرپرسی ایدئولوژیک و سیاسی رژیم خواهد شد. گزینه اول گران تمام می‌شود و دومی غیرقابل قبول است. برای همین او تلاش کرده مسیر سومی را بین این دو در پیش بگیرد.

سوءظن پایدار به تغییر رژیم

رؤسای جمهور آمریکا عموماً انکار کرده‌اند که سیاستی برای تغییر رژیم دارند. اما تهران هرگز این اظهارات را باور نکرده است. بی‌اعتمادی رهبران ایران بیش از هر چیز ناشی از تلاش‌های آمریکا در چهار دهه ترویج پیوسته دموکراسی و حقوق بشر در ایران است و همزمان حمایت جدی آمریکا از برخی گروه‌های مخالف پروژه‌های حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی در داخل و خارج کشور. آمریکا همچنین در حال حاضر مجموعه‌ای از تحریم‌های پُردردسر علیه مقامات نهادها و شرکت‌های ایرانی به خاطر نقش‌شان در نقض حقوق بشر وضع کرده است. نکته آخر هم که اهمیت‌اش کمتر از نکات پیشین نیست جنگ نرمی است که واشنگتن علیه رژیم راه انداخته است و از طریق مدیریت رسانه‌های خبری فارسی خود در آمریکا و تامین مالی پروژه‌های رسانه‌ای فارسی در آمریکا و اروپا دنبال می‌کند. برای خامنه‌ای این تلاش‌ها در تقابل با بیانیه‌های رسمی ایالات متحده درباره هدف نهایی آمریکا است. او عمیقاً باور دارد که تلاش‌ها جهت اعمال فشار بر رژیم به خاطر کارنامه ضددموکراسی و ضدحقوق بشری آن فقط با هدف تغییر ساختار اسلامی رژیم و گرایش اساساً انقلابی آن صورت می‌گیرد. او همچنین بیم آن دارد که فرهنگ آمریکایی ضربه‌ای ویرانگر به طرز فکر انقلابی خواهد زد و متقاعد شده که دولت آمریکا این گرایش را ترویج می‌کند. دیدگاه خامنه‌ای این است که هالیوود با واشنگتن همکاری می‌کند و گواه نمادین آن این است که میشل اوباما بود که فیلم «آرگو» را برنده جایزه اسکار بهترین فیلم در ۲۰۱۳ اعلام کرد. او حتی معتقد است که واشنگتن از طریق نرم‌افزارهایی چون تلگرام و اینستاگرام یا از طرق دیگر فعالیت‌های بازیگران مشهور را هدایت می‌کند. همین‌طور خامنه‌ای رفت‌وآمدهای گروهی و مردم-با-مردم را تلاشی برای جاسوسی از ایران می‌بیند و به همین دلیل دانشگاهیان را بازداشت می‌کند. به طور خلاصه خامنه‌ای از یک «براندازی نرم» با حمایت آمریکا خیلی بیش از اقدام نظامی علیه ایران هراس دارد - همین است که اصطلاح «انقلاب مخملی» اغلب در منابع رژیم استفاده می‌شود.

خامنه‌ای امیدوار است که مذاکرات بالقوه در طول چهار سال آینده سیاست‌گذاران آمریکا را متقاعد خواهد کرد که میدان نبرد دیپلماتیک خود را علیه برنامه هسته‌ای برنامه موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران محدود کنند و حقوق بشر و موضوعات مربوط به دموکراسی را هم از سیاست‌شان در قبال ایران کنار بگذارند. همان‌طور که نسبت به اکثر کشورهای عربی و مسلمان عمل می‌کنند. ولی اگر دولت آمریکا کماکان بر این موضوعات آخر تاکید کند خامنه‌ای نتیجه خواهد گرفت که آمریکا مصمم است از هر فرصتی و هر وسیله ممکن برای تغییر رژیم استفاده کند.

به چشم رهبر ایران آمریکا در حمایت از حقوق بشر و دموکراسی کاملاً صادق نبوده. چون اغلب از این موضوعات برای مقاصد سیاسی اهداف اقتصادی و منافع «امپریالیستی» بهره می‌برد. مثلاً شخصیت‌های ایرانی واشنگتن را به داشتن استاندارد دوگانه و تاسف‌بار در قبال عربستان سعودی متهم کرده‌اند که مشکلات زنان در آنجا تحت حکومت پادشاهی بدتر از نظام تمامیت‌خواه ایران است. بر اساس این منطق اگر ترویج دموکراسی و حقوق بشر از سوی آمریکا واقعی نیست. آن‌گاه واشنگتن می‌تواند در سیاست خود نسبت به ایران بر آن‌ها تاکید نکند تا اعتماد خامنه‌ای و دیگر رهبران ایران را جلب کند و در نتیجه راه همکاری دوجانبه درباره اهداف بزرگتر هموار شود.

تلاش برای کاهش تحریم‌ها

وقتی خامنه‌ای به اجتناب از «جنگ» اشاره می‌کند منظور او تنها عملیات‌های نظامی بالقوه از طرف آمریکا نیست بلکه سیاست «فشار حداکثری» را هم که دولت ترامپ اجرا کرده و تاثیر بسیار دردناکی در تمام ایران داشته. در بر می‌گیرد. این فشار شامل تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده ترور هدفمند فرماندهان نظامی برجسته مثل قاسم سلیمانی و خرابکاری سایبری در تاسیسات هسته‌ای (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/operating-in-the-gray-zone-countering-irans-asymmetric-way-of-war>) می‌شود.

گرچه خامنه‌ای یک رهبر انقلابی است برداشت‌های او درباره بسیاری از مسائل عمده را می‌توان واقع‌گرایانه توصیف کرد. یکی از این برداشت‌ها آن است که در عمل متقاعد کردن واشنگتن به رفع همه تحریم‌ها در کوتاه‌مدت غیرممکن است. مگر عقب‌گردهای مهم ایدئولوژیک و سیاسی در سیاست خارجی ایران رخ دهد. در نتیجه او به دنبال راه‌هایی است که تحریم‌ها را از دو بخش عمده رفع کند: صنعت نفت و نظام بانکی. البته او هنوز ترجیح خواهد داد که حرکت‌هایی در حوزه‌های دیگر ببیند. از جمله رفع تحریم انتقال اسلحه (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/tehran-eyes-lifting-of-arms-embargo>) بعد از انقضای زمان مصوب آن در شورای امنیت سازمان ملل. ولی آنچه واقعاً او را به حرکت وامی‌دارد درآمد نفت است.

یک هدف محوری دیگر خامنه‌ای این است که آمریکا را متقاعد کند که اگر دو گام مشخص بردارد ایران تهدید سربازان و شهروندان آمریکایی را متوقف خواهد کرد: (۱) خروج نیروهای نظامی‌اش از خاورمیانه و (۲) اجتناب از هرگونه اقدام نظامی یا عملیات مخفی علیه ایران. اگر یک توافق عملی در راستای این خواسته‌ها صورت پذیرد آن‌گاه گام بعدی این خواهد بود که آمریکا را متقاعد سازد متحدانش را در منطقه بازتعریف کند.

از همه مهم‌تر این امر به معنای آن است که ایران انتظار دارد واشنگتن منافع ملی خود را از منافع اسرائیل و عربستان سعودی جدا کند یعنی تهدید علیه این کشورها را دیگر تهدید علیه آمریکا محسوب نکند. سیاست منطقه‌ای پرزیدنت اوباما و ترامپ هر دو خامنه‌ای را تشویق کرده است تا برای رسیدن به تصور ایده‌آل خود یعنی خاورمیانه‌ای عاری از نفوذ آمریکا سرمایه‌گذاری کند.

آینده‌ای مبهم

انقلاب ۵۷ ایران بلافاصله رابطه این کشور را با ابرقدرت‌های آن زمان دنیا یعنی آمریکا و شوروی تغییر داد. اما این تغییر روابط هر کدام به شیوه‌ای بسیار متفاوت انجام شد. با آن‌که آیت‌الله خمینی بنیانگذار انقلاب موفق شد با مسکو همزیستی ایجاد کند نظام سیاسی ایران برای همیشه به آمریکاستیزی ساختاری مسموم شد. خامنه‌ای آمریکاستیزی را همچون ابزاری حیاتی برای تحکیم قدرت خودش استفاده کرده و به همین دلیل تلاش‌های «میان‌روها» برای آب‌کردن یخ دشمنی با آمریکا بی‌فایده بوده است.

اما امروز که کشور با بحرانی بزرگ مواجه است وجود حس جدیدی از اضطراب در میان نخبگان سیاسی ایران غیرقابل انکار است. رهبر ایران بدون هیچ چشم‌انداز روشنی از جانشینی درحال پیرترشدن است. بسیاری معتقدند که اگر خامنه‌ای نتواند نگرشی جدید و قابل قبول برای هردو طرف درقبال آمریکا ارائه کند احتمالاً جانشین یا جانشینان او هم دست‌کم بلافاصله پس از او قادر به این کار نخواهند بود. عوامل متعددی این باور را تقویت کرده است از جمله: ابهام درباره رهبری پس از خامنه‌ای نارضایتی عمومی از رژیم

[https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/protests-and-regime-suppression-in-post-revolutionary-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/protests-and-regime-suppression-in-post-revolutionary-iran)

iran) نبود احزاب سیاسی ضعف جامعه مدنی انباشت نفرت قومی جنسیتی مذهبی و فرقه‌ای میان مردم جنگ اقتصادی بی‌سابقه علیه کشور که فقر و بیکاری را در داخل تشدید می‌کند و افزایش یأس و خشم عمومی حتی میان اقشار سابقاً وفادار به رژیم در جامعه ایران. مرگ رهبر ایران می‌تواند باعث هرچ‌ومرجی چنان عظیم شود که ثبات نظامی سیاسی را به خطر بیندازد و این نمی‌تواند آن دستاورد افتخارآفرینی باشد که خامنه‌ای می‌خواهد در برابر رئیس‌جمهور بعدی آمریکا کسب کند بلکه برعکس شکست یک عمر کار اوست.

** مهدی خلجی هموند خانواده لیبسکی در انستیتو واشنگتن است.*



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

[Iran Takes Next Steps on Rocket Technology](#)

فوریه ۲۰۲۲

◆
Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



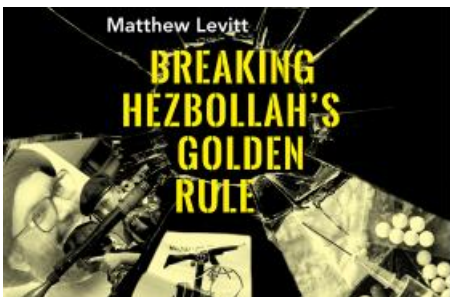
BRIEF ANALYSIS

[Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism](#)

فوریه ۲۰۲۲

◆
Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

[Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule](#)

فوریه ۲۰۲۲

◆
Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/anrzh-y-w-aqtsad/\)](#) انرژی و اقتصاد

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\)](#) عرب و اسلام سیاسی

[\(fa/policy-analysis/syast-amryka/\)](#) سیاست آمریکا

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](#) ایران